شیخ نعیم قاسم: توافق دولت لبنان با اسرائیل باطل و بی‌اعتبار است و مفاد تفاهم‌نامه ایران و آمریکا باید اجرا شود

حزب‌الله؛ سپر لبنان در برابر بلع صهیونی

گروه سیاسی

روز جمعه، ششم تیرماه ۱۴۰۵، در سالنی از ساختمان وزارت خارجه ایالات متحده در پایتخت واشنگتن، صحنه‌ای رقم خورد که حزب‌الله لبنان آن را «ننگ» و «خیانت به حاکمیت» نامید: سفیر لبنان در آمریکا، نداحمادة، در کنار سفیر رژیم صهیونیستی، یکی یل لایتر، ذیل سندی را امضا کرد که در قاموس تهران، بیروت و ضاحیه به «توافق چارچوب ذلت‌بار» معروف شد. مارکو روبیو، وزیر امور خارجه دولت دونالد ترامپ، این مراسم را بالبخند رضایت نظاره می‌کرد و آن را «آغاز آغاز» می‌خواند؛ تعبیری که خود به خود از خالی بودن محتوای واقعی این سند حکایت می‌کند. اما آنچه در این روز در واشنگتن به امضا رسید، برای محور مقاومت نه آغاز آغاز، که پایانِ یک رشته از امتیازدهی‌های آزادانه بود که دولت بیروت در طول ماه‌های گذشته در اختیار دشمن صهیونیستی گذاشته است.

لبنان، کشوری که از اکتبر ۲۰۲۳ به بدنه جنگ بزرگ‌تر منطقه کشیده شد و در آن مقاومت اسلامی‌اش بیش از چهار هزار شهید داد، اکنون در آستانه توافقی قرار گرفته که به گفته دبیرکل حزب‌الله، هیچ چیز جز پاداش دادن به دشمن در ازای شکست پروژه‌اش نیست. نتانیاهو در سخنان صریح خود گفته که اسرائیل تا زمانی که حزب‌الله در لبنان خلع سلاح نشود در «منطقه امنیتی» باقی می‌ماند؛ و دولت لبنان با امضای این چارچوب، عملاً این شرط را پذیرفته است. این همان چیزی است که نعیم قاسم آن را «اشتباه فاحش» می‌نامد.

توافق چارچوب واشنگتن در پنجمین دور مذاکرات دیپلماتیک میان آمریکا، اسرائیل و لبنان حاصل شد. براساس آنچه از متن منتشرشده این سند برمی‌آید، هر دو کشور «حق موجودیت در صلح» را برای یکدیگر به رسمیت می‌شناسند، تعهد می‌دهند اقدامات خصمانه را در محافل بین‌المللی و حقوقی متوقف کنند و در قالب یک «گروه هماهنگی نظامی سه‌جانبه» بر اجرای آن نظارت کنند. سفیر اسرائیل در مراسم امضا با صراحت اعلام کرد: «در این توافق عملکرد محور سه‌جانبه، ایران خارج است، حزب‌الله خارج است و مسیر صلح میان اسرائیل و لبنان در آن است.» این عبارت را باید با دقت خواند: خارج کردن ایران و مقاومت از معادله لبنان، همان هدف راهبردی‌ای است که اسرائیل با هزینه جنگی سنگین در میدان به آن نرسیده بود.

مفهوم «مناطق آزمایشی» یا همان Pilot Zones یکی از بندهای عملیاتی این توافق است. براساس آن، ارتش لبنان اجازه می‌یابد در دو منطقه مشخص در جنوب، کنترل خود را به نمایش بگذارد و اسرائیل بر این نمایش نظارت می‌کند. اگر آزمون از نگاه اسرائیل «موفق» ارزیابی شود، مرحله بعدی آغاز می‌گردد. یعنی نتانیاهو تبدیل به داوری شده که گواهی حسن رفتار ارتش لبنان را صادر می‌کند. چنین تعریفی از «حاکمیت ملی» با هیچ معیاری سازگار نیست.

موضع حزب‌الله: این توافق باطل و بی‌اعتبار است

پیش از آنکه مرکب امضای این توافق خشک شود، بیانیه‌های حزب‌الله یکی پس از دیگری منتشر شد. حسن فضل‌الله، عضو فراکسیون وفاداری به مقاومت در مجلس لبنان، در نخستین واکنش رسمی اعلام کرد که این جنبش «به شدت» درباره مسیر سیاسی و امنیتی مذاکرات با رژیم صهیونیستی هشدار می‌دهد؛ چراکه این روند حاکمیت لبنان را تضعیف می‌کند و باعث اختلافات داخلی خطرناکی می‌شود. وی از دولت لبنان خواست تا مذاکرات مستقیم با رژیم صهیونیستی و تمام تصمیماتی را که علیه مردم خود گرفته پس بگیرد؛ چراکه آنچه دولت در پیش گرفته «یک روند امتیازدهی رایگان و عقب‌نشینی مستمر است که به ویرانی کشور خواهد انجامید.»

فضل‌الله در تصریحی مهم اضافه کرد: «نتانیاهو در واقع با خود در حال مذاکره بود.» این جمله کوتاه خلاصه‌ای دقیق از ساختار این «مذاکرات» است؛ وقتی یک طرف بدون هیچ اهرم فشاری و در وضعیت تسلیم‌شدگی وارد گفتگو می‌شود، عملاً دیکته‌های طرف مقابل را امضا می‌کند. وی همچنین تأکید کرد که دولت کنونی لبنان فاقد مشروعیت قانونی برای اجرای این توافق است و اگر بخواهد آن را تحمیل کند، جز با حمایت آمریکا در یک جنگ داخلی ممکن نخواهد بود.

اما مهم‌ترین و جامع‌ترین موضع‌گیری درباره این توافق را شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله، در بیانیه‌ای پنج‌بندی صادر کرد که در ادامه می‌آید.

متن کامل بیانیه شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان

۱- صداقت و مسئولیت مقامات لبنانی در قبال مردمشان و حفاظت از حاکمیت لبنان کجاست، چیزی که قیم آمریکایی به آنها اعطا نکرد؟ و هنگامی که آتش‌بس پس از مذاکرات پاکستان بین آمریکا و ایران به آنها ارائه شد، آنها آن را رد کردند و به این ترتیب دشمن اسرائیلی را قادر ساخت تا جنایت چهارشنبه سیاه را مرتکب شود، که در آن صدها نفر کشته و زخمی شدند، مردم دچار وحشت شدند و با صد حمله هوایی در سراسر لبنان، از جمله بیروت، پایتخت لبنان، ویرانی به بار آمد.

۲- ملبه مقامات گفتیم که مذاکرات مستقیم چیزی جز امتیازدهی‌های رایگان به اسرائیل نیست، زیرا این جلساتی است که برای وادار کردن به تسلیم شدن در برابر خواسته‌های تجاوز و دیکته‌های اسرائیل و ایالات متحده طراحی شده است. شما با خصومت و اختلاف با بیش از نیمی از مردم لبنان و با نقض قانون اساسی و قوانینی که رژیم اسرائیل را دشمن می‌دانند و از نظر قانونی هر کسی را که با آن با گفتار یا عمل تعاملی داشته باشد مورد بازخواست قضایی قرار می‌دهد، به این جلسات می‌روید. شما هیچ اهرمی برای جنگیدن ندارید زیرا به طور داوطلبانه قدرت مقاومت و مردم را رها کردید و با اعلام غیرقانونی بودن مقاومت در قلب جنگ، از همان لحظه اول، با تصمیم شوم دولت در دوم مارس، از پشت به آن خنجر زدید... همه اینها در خدمت پروژه تجاوزکارانه اسرائیل است. بازی با کلمات و تفسیر نادرست آنها بیهوده است؛ نتایج معیار هستند. این خیانت به حاکمیت لبنان است، همانطور که با ارزیابی دوست و دشمن مشخص می‌شود.

۳- یادداشت تفاهم ایران و آمریکا، آتش‌بس در لبنان را به عنوان اولین بند خود مورد توجه قرار داد. هنگامی که دشمن اسرائیلی از رعایت آن خودداری کرد، ایران این توافق را به حالت تعلیق درآورد و به مسدود کردن تنگه هرمز ادامه داد تا اینکه آمریکا، دشمن اسرائیلی را تحت فشار قرار داد و مجبور به آتش‌بس کرد. در بند اول یادداشت تفاهم آمده است: «ایالات متحده، ایران و متحدان مربوطه آنها در درگیری جاری، با امضای این یادداشت تفاهم، توقف فوری و دائمی خصومت‌ها را در تمام جبهه‌ها، از جمله در لبنان، اعلام می‌کنند و از این پس متعهد می‌شوند که هیچ جنگ یا اقدام نظامی علیه یکدیگر را آغاز نکنند، از تهدید یا استفاده از زور علیه یکدیگر خودداری کنند و تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان را تضمین کنند.» طبق ماده ۳ این یادداشت تفاهم، مذاکرات و انعقاد توافق نهایی باید ظرف شصت روز تکمیل شود.

مقامات دوباره امتناع کردند تا اینکه عقلا به آنها فهماندند و تفاهمنامه را برای آنها تشریح کردند که جنگ متوقف خواهد شد موضوعی که آنها در دست یابی به آن ناکام ماندند و به آنها گفتند که این تفاهمنامه به نفع لبنان است. آنها همچنین تأکید کردند که مذاکرات برای عقب‌نشینی اسرائیل منحصراً در دست لبنان است و احدی از طرف آن مذاکره نخواهد کرد. این هدیه‌ای از افتخار، عزت و قدرت از سوی ایران - ملتی استوار و مغرور - به لبنان، مردم و مقاومت آن بود.

تفاهم‌نامه «تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان» را تضمین می‌کند و حاکمیت از طریق عقب‌نشینی کامل اسرائیل که ظرف شصت روز مورد توافق قرار گرفته، محقق می‌شود. این یک برگ قوی در دست لبنان است، برگه و اهرمی که هرگز خوابش را هم نمی‌دید. و بنابراین، در «توافق نامه چارچوب»، مقامات از اهرم تفاهم‌نامه، قدرت و پایداری مقاومت و فداکاری‌های این ملت بزرگ لبنان دست کشیده و آنچه را که اسرائیل می‌خواهد، رایگان به دست اسرائیل می‌دهند.

۴- چه اشتباه فاحشی! چه گناه بزرگی است که حاکمیت را به دشمن اسرائیلی واگذار کنیم! نتانیاهو به ارتش لبنان اجازه می‌دهد در دو منطقه آزمایشی فعالیت کند! دشمن بر مراحل استقرار و خلع سلاح آن نظارت دارد و کمیته سه‌جانبه از خواسته‌های دشمن پیروی می‌کند. دوره آزمایشی در این دو منطقه ممکن است ماه‌ها طول بکشد و بدون گواهی حسن رفتار از دشمن اسرائیلی و اجرای آنچه اسرائیل در عمل نتوانسته به آن دست یابد، و هیچ تجربه دیگری در کار نخواهد بود. همانطور که نتانیاهو گفت: «اسرائیل تا زمانی که حزب‌الله در لبنان خلع سلاح نشود در منطقه امنیتی باقی خواهد ماند».

مقامات لبنان در حال مشروعیت بخشیدن به اشغال برای سال‌های آینده هستند و این حتی می‌تواند منجر به الحاق این اراضی به رژیم صهیونیستی شود! این توافقی است که لبنانی‌ها را از حق بازگشت به سرزمین خود محروم می‌کند. دشمن اسرائیلی چرا باید در امور داخلی ما در لبنان دخالت کند؟ هر توافقی باید به منطقه جنوب رود خانه لیتانی محدود شود و دشمن اسرائیلی هیچ ارتباطی با مسائل داخلی لبنان در مورد سلاح، امنیت یا آینده کشور ندارد. ربط دادن خروج اسرائیل به خلع سلاح مقاومت در سراسر لبنان، یک پیشنهاد بسیار خطرناک است که از تمام خطوط قرمز عبور می‌کند و لبنان را به بازیچه‌ای در دست دشمن اسرائیلی تبدیل می‌کند!

به بهانه تعهد لبنان به خلع سلاح برای خروج اسرائیل، هر سلاحی در هر کجای لبنان به عنوان نشانه‌ای از عدم پایبندی لبنان تعبیر خواهد شد! چگونه چنین چیزی ممکن است وقتی سلاح‌ها به طور کامل برچیده نمی‌شود؟ هیچ کس حق ندارد لبنانی‌ها را از حق دفاع از خود و سرزمینشان در برابر اشغالگر سرزمین ما و قاتل مردم ما محروم کند. دشمن باید عقب‌نشینی کند زیرا متجاوز و اشغالگر است. هرگونه عبور از این سقف به مثابه پاداشی به اسرائیل پس از شکست پروژه‌اش و نادیده انگاشتن حاکمیت لبنان است.

۵- توافق چارچوب در واشنگتن تحقیرآمیز، شرم‌آور و برباد دادن حاکمیت است. این توافق باطل و بی‌اعتبار است و مفاد تفاهم‌نامه ایران و آمریکا باید اجرا شود. ما به تمام ابزارهای لازم روی خواهیم آورد و فشارهای بین‌المللی و عربی را اعمال خواهیم کرد تا دشمن اسرائیلی به بند اول تفاهم‌نامه پایبند باشد و از لبنان خارج شود. ما به مقامات لبنان می‌گوییم: وقت آن رسیده است که اشتباه خود را بپذیرید. این پس از گناهان شما، فضیلتی خواهد بود که به نفع شما ثبت می‌شود. ما آماده‌ایم برای حاکمیت لبنان، آزادسازی سرزمین آن، اخراج اشغالگر اسرائیلی، بازگشت اسرا، بازگشت آوارگان، بازسازی، آبادسازی کشور و دستیابی به توافق بر سر یک استراتژی امنیت ملی، همکاری و در کنار هم بایستیم.

آتش‌بس بدون فداکاری‌های بزرگ‌ر زندگان مقاومت، خانواده‌های آنها و مردم لبنان امکان پذیر نبود. ما از میراث شهدا، مجروحان، اسرا و فداکاری‌های مردم این سرزمین، ارتش لبنان و همه سازمان‌ها و نهادهایی که شهید و زخمی داده‌اند، حفاظت خواهیم کرد. ما به عنوان یک مقاومت در میدان در راستای به زانو درآوردن اشغالگران حرکت خواهیم کرد. ما در سخت‌ترین شرایط میدان را رها نکرده و نخواهیم کرد، زیرا این راه خیر و رستگاری است. خداوند متعال در آیه ۴۱ سوره به توبه می‌فرماید: «برای جنگ با کافران، سبک‌بار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا به مال و جان جهاد کنید، این کار شما را بسی بهتر خواهد بود اگر مردمی با فکر و دانش باشید.»

چرا این «توافق» اجرایی نخواهد شد؟

فهم این نکته که چرا «توافق چارچوب واشنگتن» علی‌رغم اما مهم‌ترین و جامع‌ترین موضع‌گیری درباره این توافق را شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله، در بیانیه‌ای پنج‌بندی صادر کرد که در ادامه می‌آید.

متن کامل بیانیه شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان

۱- صداقت و مسئولیت مقامات لبنانی در قبال مردمشان و حفاظت از حاکمیت لبنان کجاست، چیزی که قیم آمریکایی به آنها اعطا نکرد؟ و هنگامی که آتش‌بس پس از مذاکرات پاکستان بین آمریکا و ایران به آنها ارائه شد، آنها آن را رد کردند و به این ترتیب دشمن اسرائیلی را قادر ساخت تا جنایت چهارشنبه سیاه را مرتکب شود، که در آن صدها نفر کشته و زخمی شدند، مردم دچار وحشت شدند و با صد حمله هوایی در سراسر لبنان، از جمله بیروت، پایتخت لبنان، ویرانی به بار آمد.

۲- ملبه مقامات گفتیم که مذاکرات مستقیم چیزی جز امتیازدهی‌های رایگان به اسرائیل نیست، زیرا این جلساتی است که برای وادار کردن به تسلیم شدن در برابر خواسته‌های تجاوز و دیکته‌های اسرائیل و ایالات متحده طراحی شده است. شما با خصومت و اختلاف با بیش از نیمی از مردم لبنان و با نقض قانون اساسی و قوانینی که رژیم اسرائیل را دشمن می‌دانند و از نظر قانونی هر کسی را که با آن با گفتار یا عمل تعاملی داشته باشد مورد بازخواست قضایی قرار می‌دهد، به این جلسات می‌روید. شما هیچ اهرمی برای جنگیدن ندارید زیرا به طور داوطلبانه قدرت مقاومت و مردم را رها کردید و با اعلام غیرقانونی بودن مقاومت در قلب جنگ، از همان لحظه اول، با تصمیم شوم دولت در دوم مارس، از پشت به آن خنجر زدید... همه اینها در خدمت پروژه تجاوزکارانه اسرائیل است. بازی با کلمات و تفسیر نادرست آنها بیهوده است؛ نتایج معیار هستند. این خیانت به حاکمیت لبنان است، همانطور که با ارزیابی دوست و دشمن مشخص می‌شود.

۳- یادداشت تفاهم ایران و آمریکا، آتش‌بس در لبنان را به عنوان اولین بند خود مورد توجه قرار داد. هنگامی که دشمن اسرائیلی از رعایت آن خودداری کرد، ایران این توافق را به حالت تعلیق درآورد و به مسدود کردن تنگه هرمز ادامه داد تا اینکه آمریکا، دشمن اسرائیلی را تحت فشار قرار داد و مجبور به آتش‌بس کرد. در بند اول یادداشت تفاهم آمده است: «ایالات متحده، ایران و متحدان مربوطه آنها در درگیری جاری، با امضای این یادداشت تفاهم، توقف فوری و دائمی خصومت‌ها را در تمام جبهه‌ها، از جمله در لبنان، اعلام می‌کنند و از این پس متعهد می‌شوند که هیچ جنگ یا اقدام نظامی علیه یکدیگر را آغاز نکنند، از تهدید یا استفاده از زور علیه یکدیگر خودداری کنند و تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان را تضمین کنند.» طبق ماده ۳ این یادداشت تفاهم، مذاکرات و انعقاد توافق نهایی باید ظرف شصت روز تکمیل شود.

مقامات دوباره امتناع کردند تا اینکه عقلا به آنها فهماندند و تفاهمنامه را برای آنها تشریح کردند که جنگ متوقف خواهد شد موضوعی که آنها در دست یابی به آن ناکام ماندند و به آنها گفتند که این تفاهمنامه به نفع لبنان است. آنها همچنین تأکید کردند که مذاکرات برای عقب‌نشینی اسرائیل منحصراً در دست لبنان است و احدی از طرف آن مذاکره نخواهد کرد. این هدیه‌ای از افتخار، عزت و قدرت از سوی ایران - ملتی استوار و مغرور - به لبنان، مردم و مقاومت آن بود.

تفاهم‌نامه «تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان» را تضمین می‌کند و حاکمیت از طریق عقب‌نشینی کامل اسرائیل که ظرف شصت روز مورد توافق قرار گرفته، محقق می‌شود. این یک برگ قوی در دست لبنان است، برگه و اهرمی که هرگز خوابش را هم نمی‌دید. و بنابراین، در «توافق نامه چارچوب»، مقامات از اهرم تفاهم‌نامه، قدرت و پایداری مقاومت و فداکاری‌های این ملت بزرگ لبنان دست کشیده و آنچه را که اسرائیل می‌خواهد، رایگان به دست اسرائیل می‌دهند.

۴- چه اشتباه فاحشی! چه گناه بزرگی است که حاکمیت را به دشمن اسرائیلی واگذار کنیم! نتانیاهو به ارتش لبنان اجازه می‌دهد در دو منطقه آزمایشی فعالیت کند! دشمن بر مراحل استقرار و خلع سلاح آن نظارت دارد و کمیته سه‌جانبه از خواسته‌های دشمن پیروی می‌کند. دوره آزمایشی در این دو منطقه ممکن است ماه‌ها طول بکشد و بدون گواهی حسن رفتار از دشمن اسرائیلی و اجرای آنچه اسرائیل در عمل نتوانسته به آن دست یابد، و هیچ تجربه دیگری در کار نخواهد بود. همانطور که نتانیاهو گفت: «اسرائیل تا زمانی که حزب‌الله در لبنان خلع سلاح نشود در منطقه امنیتی باقی خواهد ماند».

مقامات لبنان در حال مشروعیت بخشیدن به اشغال برای سال‌های آینده هستند و این حتی می‌تواند منجر به الحاق این اراضی به رژیم صهیونیستی شود! این توافقی است که لبنانی‌ها را از حق بازگشت به سرزمین خود محروم می‌کند. دشمن اسرائیلی چرا باید در امور داخلی ما در لبنان دخالت کند؟ هر توافقی باید به منطقه جنوب رود خانه لیتانی محدود شود و دشمن اسرائیلی هیچ ارتباطی با مسائل داخلی لبنان در مورد سلاح، امنیت یا آینده کشور ندارد. ربط دادن خروج اسرائیل به خلع سلاح مقاومت در سراسر لبنان، یک پیشنهاد بسیار خطرناک است که از تمام خطوط قرمز عبور می‌کند و لبنان را به بازیچه‌ای در دست دشمن اسرائیلی تبدیل می‌کند!

به بهانه تعهد لبنان به خلع سلاح برای خروج اسرائیل، هر سلاحی در هر کجای لبنان به عنوان نشانه‌ای از عدم پایبندی لبنان تعبیر خواهد شد! چگونه چنین چیزی ممکن است وقتی سلاح‌ها به طور کامل برچیده نمی‌شود؟ هیچ کس حق ندارد لبنانی‌ها را از حق دفاع از خود و سرزمینشان در برابر اشغالگر سرزمین ما و قاتل مردم ما محروم کند. دشمن باید عقب‌نشینی کند زیرا متجاوز و اشغالگر است. هرگونه عبور از این سقف به مثابه پاداشی به اسرائیل پس از شکست پروژه‌اش و نادیده انگاشتن حاکمیت لبنان است.

۵- توافق چارچوب در واشنگتن تحقیرآمیز، شرم‌آور و برباد دادن حاکمیت است. این توافق باطل و بی‌اعتبار است و مفاد تفاهم‌نامه ایران و آمریکا باید اجرا شود. ما به تمام ابزارهای لازم روی خواهیم آورد و فشارهای بین‌المللی و عربی را اعمال خواهیم کرد تا دشمن اسرائیلی به بند اول تفاهم‌نامه پایبند باشد و از لبنان خارج شود. ما به مقامات لبنان می‌گوییم: وقت آن رسیده است که اشتباه خود را بپذیرید. این پس از گناهان شما، فضیلتی خواهد بود که به نفع شما ثبت می‌شود. ما آماده‌ایم برای حاکمیت لبنان، آزادسازی سرزمین آن، اخراج اشغالگر اسرائیلی، بازگشت اسرا، بازگشت آوارگان، بازسازی، آبادسازی کشور و دستیابی به توافق بر سر یک استراتژی امنیت ملی، همکاری و در کنار هم بایستیم.

آتش‌بس بدون فداکاری‌های بزرگ‌ر زندگان مقاومت، خانواده‌های آنها و مردم لبنان امکان پذیر نبود. ما از میراث شهدا، مجروحان، اسرا و فداکاری‌های مردم این سرزمین، ارتش لبنان و همه سازمان‌ها و نهادهایی که شهید و زخمی داده‌اند، حفاظت خواهیم کرد. ما به عنوان یک مقاومت در میدان در راستای به زانو درآوردن اشغالگران حرکت خواهیم کرد. ما در سخت‌ترین شرایط میدان را رها نکرده و نخواهیم کرد، زیرا این راه خیر و رستگاری است. خداوند متعال در آیه ۴۱ سوره به توبه می‌فرماید: «برای جنگ با کافران، سبک‌بار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا به مال و جان جهاد کنید، این کار شما را بسی بهتر خواهد بود اگر مردمی با فکر و دانش باشید.»

چرا این «توافق» اجرایی نخواهد شد؟

فهم این نکته که چرا «توافق چارچوب واشنگتن» علی‌رغم بلندپروازی‌های امضاکنندگانش ناکام خواهد ماند، نیاز به شناخت ساختار واقعی قدرت در لبنان دارد. لبنان از دهه‌ها پیش به این سو میدانی است که در آن دولت رسمی تنها یکی از بازیگران معادله قدرت است؛ نه لزوماً نیرومندترین یا مشروع‌ترین ارزنگاه بخش مهمی از جامعه. حزب‌الله، با دهه‌ها ریشه دواندن در بستر اجتماعی جنوب لبنان، ضاحیه بیروت و بقاع، و با تجربه کارزار مسلحانه‌ای که اسرائیل را در ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ به عقب راند، نهادی نیست که با یک امضا در واشنگتن از صحنه حذف شود. نقطه آسیب‌پذیر اصلی این توافق دقیقاً همانجایی است که اسرائیل آن را «قوت» می‌پندارد: شرط خروج در ازای خلع سلاح. اسرائیل در ماه‌های جنگ سنگین نتوانست به این هدف برسد؛ حال گمان می‌برد که یک سند دیپلماتیک این معادله را تغییر خواهد داد. اما حزب‌الله با صراحت تمام اعلام کرده که سقف هر توافقی، عقب‌نشینی کامل اسرائیل براساس یادداشت تفاهم ایران - آمریکا و قطعنامه‌های بین‌المللی است و نه ذره‌ای فراتر از آن. این برخورد میان دو تفسیر آشتی‌ناپذیر از چارچوب، کافی است تا چرخ اجرایی این توافق را از همان آغاز متوقف کند. بُعد داخلی لبنانی این ماجرا نیز کمتر از بُعد نظامی نیست. دولتی که برای اجرای توافق خود نیازمند آن است که به جنگ با حزب‌الله برود، عملاً به جنگ داخلی دست می‌زند. فضل‌الله این را با صراحت گفته است. رئیس جمهور جوزف عون که خود از تبار نهاد ارتش برخاسته، بهتر از هر کس می‌داند که ارتش لبنان از نظر توانایی‌های نظامی، فنی و سازمانی در چه وضعی قرار دارد و چه نسبتی با حزب‌الله دارد. این توافق، حتی اگر در آرزوها زیبا بنماید، در میدان عمل راهی جز بن‌بست پیش روی ندارد.

از منظر حقوقی - سیاسی نیز این توافق با چالش‌های جدی روبروست. نعیم قاسم به درستی به قوانین لبنانی اشاره می‌کند که هرگونه تعامل حقوقی یا سیاسی با رژیم صهیونیستی را جرم می‌داند. مفتی جعفری لبنان نیز صریحاً اعلام کرده که این توافق «هیچ مشروعیتی ندارد.» در کنار این، حزب‌الله یادداشت تفاهم ایران و آمریکا را که لبنان را در بند اول خود به طور صریح مورد اشاره قرار داده، اهرم قانونی معتبرتری می‌داند که از موضع قدرت و پیروزی امضا شده است.

مقاومت؛ سپر لبنان در برابر بلع صهیونی

تاریخ لبنان نشان داده که وجود مقاومت، نه به عنوان یک جریان سیاسی، بلکه به عنوان یک واقعیت راهبردی، مانعی تعیین‌کننده در برابر اهداف توسعه‌طلبانه اسرائیل بوده است. سال ۲۰۰۰، زمانی که ارتش اسرائیل پس از ۲۲ سال اشغال جنوب لبنان ناگزیر به عقب‌نشینی شد، نه نتیجه هیچ توافق دیپلماتیکی بود و نه حاصل فشارهای بین‌المللی، بلکه محصول مستقیم مقاومت مسلحانه‌ای بود که هزینه اشغال را برای تل‌آویو غیرقابل تحمل کرده بود. سال ۲۰۰۶، جنگ ۳۳ روزه که اسرائیل با بزرگ‌ترین آرایش نظامی خود به لبنان تاخت، با ناکامی و تحقیر پایان یافت.

نعیم قاسم در بیانیه خود به این منطق استراتژیک اشاره می‌کند: اسرائیل نه به خاطر موشک‌های مقاومت، بلکه برای اشغال لبنان آمده است. این تشخیص بنیادین تفاوت میان دو رویکرد به «صلح» را مشخص می‌کند: رویکرد دولت لبنان که اهرم مقاومت را به کناری می‌گذارد و دست خالی بر سر میز مذاکره می‌نشیند، و رویکرد حزب‌الله که معتقد است تنها از موضع قدرت می‌توان دشمن را وادار به عقب‌نشینی واقعی کرد.

آنچه در ماه‌های اخیر گذشت، این معادله را یک بار دیگر در بوته آزمون گذاشت. ایران با مسدود کردن تنگه هرمز و تعلیق یادداشت تفاهم در واکنش به نقض آتش‌بس توسط اسرائیل، اثبات کرد که اهرم فشار واقعی، برگ‌هایی است که در میدان به دست می‌آید نه در اتاق مذاکره. در نهایت این فشار بود که آمریکا را ناگزیر کرد دشمن اسرائیلی را به آتش‌بس وادار کند. این همان «برگ قوی» است که شیخ قاسم از آن سخن می‌گوید؛ برگی که دولت لبنان با توافق واشنگتن از دست داد و به اسرائیل بخشید.

در چنین چشم‌اندازی، وجود حزب‌الله به مثابه «وتوی واقعی» در برابر هر توافقی است که اشغال را مشروع جلوه دهد یا حق مقاومت را سلب کند. این «وتو» نه حقوقی است و نه در اساسنامه‌ای نوشته شده؛ بلکه از قدرت حضور میدانی، پشتوانه اجتماعی و اراده سیاسی این جنبش برخاسته است. دولتی که با چشمان باز وارد توافقی می‌شود که حزب‌الله آن را «باطل» می‌خواند و اعلام می‌کند که «به تمام ابزارهای لازم» روی خواهد آورد، ناگزیر است برای هر گام اجرایی آن هزینه‌های سیاسی و امنیتی سنگینی بپردازد.

اما این «وتو» خود به تنهایی کافی نیست. آنچه نعیم قاسم در پایان بیانیه خود اعلام می‌کند ضمن مخالفت صریح با توافق، بسیار مهم است: آمادگی برای نشستن در کنار دولت لبنان اگر و تنها اگر آن دولت در مسیر واقعی حاکمیت ملی گام بردارد. این پیشنهاد همکاری برای خروج اسرائیل، بازگشت آوارگان، آزادی اسرا، بازسازی و تدوین استراتژی امنیت ملی، نشان می‌دهد که حزب‌الله برخلاف تصویری که رسانه‌های غربی از آن ساخته‌اند، صرفاً در پی تخریب نیست بلکه چارچوب جایگزین دارد.

سخن آخر: یادداشت تفاهم در برابر چارچوب ننگین

ماجرا در نهایت به رویارویی دو سند و دو منطق بازمی‌گردد. یادداشت تفاهم ایران و آمریکا که از موضع استقامت ایران و فشار تنگه هرمز به دست آمده، «تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان» را در متن خود تضمین می‌کند و شصت روز برای عقب‌نشینی کامل اسرائیل تعیین کرده است. توافق چارچوب واشنگتن که دولت لبنان آن را با دست خالی امضا کرده، عقب‌نشینی اسرائیل را به خلع سلاح مقاومت گره زده است؛ شرطی که اسرائیل می‌تواند با ابزارهای تفسیر و نظارت، سال‌ها آن را محقق نشده اعلام کند.

فارغ از تحولات آتی، یک چیز روشن است: مادامی که مقاومت در لبنان وجود داشته باشد، هیچ دولتی قادر نخواهد بود تنها با قلم فرسایی در واشنگتن، آینده این کشور را رقم بزند. این همان «ضمانت» ناخواسته‌ای است که وجود حزب‌الله برای لبنان فراهم آورده؛ حتی وقتی دولت آن به میز مذاکره می‌رود و برگ‌های خود را یک به یک روی میز می‌گذارد.

شیخ نعیم قاسم در پایان بیانیه تاریخی خود آیه‌ای از قرآن کریم را یادآور می‌شود که روح مقاومت را در خود دارد. این انتخاب آیه‌ای از سوره توبه، در اوج بحران، به خوبی نشان می‌دهد که حزب‌الله این معرکه را نه صرفاً یک مناقشه سیاسی، که حرکتی در امتداد یک مسیر تاریخی - دینی می‌داند؛ مسیری که در آن تسلیم شدن در برابر اشغالگر، پیش از آنکه خیانت سیاسی باشد، خیانتی به میراث شهداست.

برگ سبز - سند کمپانی خودرو مدل ۹۶ شماره پلاک ۲۵۹ج۵۶ ایران ۶۱ و شماره موتور NAAW۰۱HE۴HE۴۷۴۶۴۰ به شماره شاسی ۱۴۷H۰۳۳۵۱۴۶ به نام محمد محمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز وانت پیکان مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۲۴۲ج۲۶ ایران ۶۱ و شماره موتور ۱۱۴۸۷۰۰۹۰۷۱ شماره شاسی NAAA۴۶AA۵۸G۰۰۷۹۲۱ به نام ولی الله قرخانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری دنا مدل ۱۳۹۷ به رنگ مشکی به شماره پلاک ۷۵۶ج۴۴ ایران ۳۳ به شماره موتور ۱۴۷H۰۴۱۰۱۳۴ به شماره شاسی NAAW۲۱HU۹JE۰۸۸۴۵۱ به نام ابوالفضل خم پیچی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند خودرو سواری پژو آردی مدل ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۶۹ - ۱۷۵۳۶۹ به شماره موتور ۱۱۷۸۴۰۷۶۰۵۱ به شماره شاسی ۱۳۴۷۸۳۴۶ به مالکیت محمد باقر گرشاسبی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت وسیله نقلیه (برگ سبز) خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۷ به شماره انتظامی ۷۱۹ ص ۷۵ ایران ۳۷ به شماره موتور ۲۳۳۰۹۰۱ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۷۱۵۷۴۵ به مالکیت سرگل قربانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پلاک عقب و کارت هوشمند سوخت خودروی وانت تویوتا ۲۰۰۰ به رنگ سفید معمولی مدل ۱۹۸۴ به نام اصغر کامرانی نیا به شماره انتظامی ۷۹۱ق ۲۲ ایران ۶۵ به شماره موتور ۲۲۰۹۰۸۵ و شماره شاسی ۶۱۲۶۸۸ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) و برگ گمرکی و کارت هوشمند سوخت خودرو و پلاکت وانت تویوتا استاوت به رنگ سبز روغنی مدل ۱۹۸۳ به نام عبدالقادر درزاده به شماره انتظامی ۸۵۳ج ۳۸ ایران ۹۵ به شماره موتور ۲۱۷۶۱۶۰ شماره شاسی ۶۰۷۵۸۸ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) و برگ گمرکی خودروی وانت تویوتا هایلوکس به رنگ سبز روغنی مدل ۱۹۸۴ به نام محمد میرنژاد به شماره انتظامی ۵۷۹ س ۲۳ ایران ۹۵ به شماره موتور ۰۸۵۵۶۳ به شماره شاسی ۰۲۹۲۴۹ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت و پلاک ها و کارت پلاک خودروی پژو ۴۰۵ GLX-XU۷ به شماره شاسی NAAM۰۱CE۳LK۵۳۷۷۸۴ به شماره موتور ۱۲۴K۱۴۶۷۲۹ مدل ۱۳۹۹ به نام عبدالغنی آرامش به شماره انتظامی ۳۸۶ج ۴۵ ایران ۸۵ به شماره موتور R۲۱۶۲۴۶۶ به شماره شاسی RK۱۱۰۶۰۵۰۵ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی کامیون کمپرسی ال ک ۴۲/ ۱۹۲۴ به رنگ نارنجی روغنی مدل ۱۳۸۸ به نام عبداله دهواری شماره انتظامی ۴۷۳۳ ج ۹۶ ایران ۸۵ به شماره موتور ۳۷۴۳۳۱۶۶۰۴۷۹۷ شماره شاسی ۳۳۵۹۲۴۱۰۱۱۱۴۵۱ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند خودرو سواری پژو آردی مدل ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۶۹ - ۱۷۵۳۵۹ به شماره موتور ۱۱۷۸۴۰۷۶۰۵۱ به شماره شاسی ۱۳۴۷۸۳۴۶ به مالکیت محمد باقر گرشاسبی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت وسیله نقلیه (برگ سبز) خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۷ به شماره